

الحمد لله  
البرحمين!



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند  
گروه زبان و ادبیات فارسی

## مضامین اصلی شعرشاعران زن پس از انقلاب اسلامی

(ژاله اصفهانی، سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده، فاطمه راکعی)

استاد محترم راهنما:

جناب آقای دکتر علی اکبر سام خانیانی

استاد محترم مشاور:

جناب آقای دکتر سید مهدی رحیمی

نگارنده:

سیده طیبه مدنی ایوری

1387

## **تقدیم به :**

روان مهربان مادرم که ( زینبی ) بود در استواری

و

به : فرداهای روشن دفتر نازنینم

« سارا »

## تقدیر و تشکر:

خدا را سپاس می گویم که در مراحل گردآوری و تدوین نهایی این پایان نامه عزیزانی را راهنما و یاور

من قرار داد که حمایت‌های دلسوزانه و دانش گرانقدرشان را چراغ راهم قرار دادند

از استاد محترم راهنمایم جناب آقای دکتر سام خانیانی تشکر می کنم که با درک مشکلاتم در

دشواریهای راه پژوهش راهنماییها و لطفشان را از من دریغ نداشتند.

از محضر آقای دکتر رحیمی به خاطر معرفی برخی از منابع و راهنمایی در طرح اولیه موضوع نهایت

سپاس را دارم .

از کلیه مسئولین و کارکنان محترم دانشگاه بیرجند به ویژه دانشکده ادبیات و علوم انسانی و تحصیلات

تکمیلی قدردانی می کنم .

از همسر عزیزم آقای صداقتی که صبر و تحمل ایشان از یک سو و تشویقهایشان از سوی دیگر حامی

بزرگی برایم بود سپاسگزارم.

از مخاطبان آگاه و فهیم خواهانم نگارنده را رهین منت خود نموده و ناداشتیهای این سیاهه را بر او

بیخشند .

## چکیده

عنوان :

### مضامین اصلی شعر شاعران زنان پس از انقلاب اسلامی

هدف این پایان نامه آن است که با انتخاب 4 شاعر زن معاصر از دو حوزه فکری متفاوت (یعنی سیمین بهبهانی و ژاله اصفهانی از حوزه شعر نوگرای روشنفکری و طاهره صفارزاده و فاطمه راکعی از حوزه شعر مذهبی روشنفکری)، اصلی ترین مضامین شعر زنان پس از انقلاب اسلامی را بررسی کند. با طبقه بندی مضامین از طریق علم انواع ادبی، ابتدا سه فصل پایان نامه به طور کلی چنین نشان داده شده است: (1) مضامین غنایی (2) مضامین تعلیمی (3) مضامین حماسی. سپس مهم ترین مضامین در هر حوزه بررسی شده است:

1) مضامین غنایی: الف\_طبیعت ب\_عشق ج\_هستی د\_احساسات و تألمات شاعرانه

2) مضامین تعلیمی: الف\_دین ب\_خرد و آموزه های اخلاقی ج\_رسالت شعر د\_فمینیسم ه\_عرفان

3) مضامین حماسی: الف\_دگرگونیهای تاریخی و ملی ب\_آزادی طلبی و حق خواهی ج\_وطن .

نگارنده با بررسی آماری 574 شعر به این نتیجه رسیده است که 44%(253 شعر) اشعار در مضامین غنایی، 35%(200 شعر) در مضامین تعلیمی و 21%(121 شعر) در مضامین حماسی سروده شده است. بیشترین و کمترین میزان شعر در هر مضمون خاص چنین است: بیشترین؛ در فصل مضامین غنایی: عشق در فصل مضامین تعلیمی: خرد و آموزه های اخلاقی و در فصل مضامین حماسی: دگرگونیهای تاریخی و ملی. کمترین؛ در فصل مضامین غنایی: تألمات واحساسات شاعرانه و همچنین هستی در فصل مضامین تعلیمی: فمینیسم و سرانجام در فصل مضامین حماسی: وطن.

کلیدواژه ها: انواع ادبی، مضمون، ادبیات انقلاب اسلامی، شعر زن، ژاله اصفهانی، سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده، فاطمه راکعی.

# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	مقدمه
1	تاریخ ادبیات فارسی پس از انقلاب اسلامی
6	گزارش مختصری از زندگی شاعران مورد بحث
9	مضمون چیست؟
11	انواع شعر در ایران
14	خصیله‌های شعر معاصر جنگ
15	روش کار
<b>فصل اول : مضامین غنایی</b>	
20	الف) طبیعت
21	طبیعت در شعر ژاله اصفهانی
29	طبیعت در شعر سیمین بهبهانی
35	طبیعت در شعر طاهره صفارزاده
38	طبیعت در شعر فاطمه راکعی
42	ب) عشق
45	عشق در شعر ژاله اصفهانی
52	عشق در شعر سیمین بهبهانی
79	عشق در شعر طاهره صفارزاده
80	عشق در شعر فاطمه راکعی
83	ج) هستی
83	هستی در شعر ژاله اصفهانی
95	هستی در شعر سیمین بهبهانی
106	هستی در شعر فاطمه راکعی
110	د) احساسات و تالمات شاعرانه
110	احساسات و تالمات شاعرانه در شعر ژاله اصفهانی
117	احساسات و تالمات شاعرانه در شعر سیمین بهبهانی
124	احساسات و تالمات شاعرانه در شعر فاطمه راکعی
<b>فصل دوم : مضامین تعلیمی</b>	
128	الف) مذهب
128	مذهب در شعر ژاله اصفهانی
130	مذهب در شعر سیمین بهبهانی

137	.....	مذهب در شعر طاهره صفارزاده
149	.....	مذهب در شعر فاطمه راکعی
154	.....	ب) خرد و آموزه های اخلاقی
154	.....	خرد و آموزه های اخلاقی در شعر ژاله اصفهانی
157	.....	خرد و آموزه های اخلاقی در شعر سیمین بهبهانی
159	.....	خرد و آموزه های اخلاقی در شعر طاهره صفارزاده
170	.....	خرد و آموزه های اخلاقی در شعر فاطمه راکعی
171	.....	ج) رسالت شعر
171	.....	رسالت شعر در شعر ژاله اصفهانی
175	.....	رسالت شعر در شعر سیمین بهبهانی
178	.....	رسالت شعر در شعر طاهره صفارزاده
178	.....	رسالت شعر در شعر فاطمه راکعی
180	.....	د) فمینیسم
180	.....	تاریخچه ای کوتاه از فمینیسم
182	.....	فمینیسم در شعر ژاله اصفهانی
185	.....	فمینیسم در شعر سیمین بهبهانی
196	.....	فمینیسم در شعر فاطمه راکعی
197	.....	ه) عرفان
197	.....	عرفان در شعر ژاله اصفهانی
199	.....	عرفان در شعر سیمین بهبهانی
201	.....	عرفان در شعر طاهره صفارزاده
201	.....	عرفان در شعر فاطمه راکعی

### فصل سوم : مضامین حماسی

205	.....	الف) دگرگونیهای تاریخی و ملی
205	.....	دگرگونیهای تاریخی و ملی در شعر ژاله اصفهانی
210	.....	دگرگونیهای تاریخی و ملی در شعر سیمین بهبهانی
219	.....	دگرگونیهای تاریخی و ملی در شعر طاهره صفارزاده
222	.....	دگرگونیهای تاریخی و ملی در شعر فاطمه راکعی
228	.....	ب) آزادی طلبی و حق خواهی
228	.....	آزادی طلبی و حق خواهی در شعر ژاله اصفهانی
231	.....	آزادی طلبی و حق خواهی در شعر سیمین بهبهانی
235	.....	آزادی طلبی و حق خواهی در شعر طاهره صفارزاده
240	.....	آزادی طلبی و حق خواهی در شعر فاطمه راکعی

241	..... (ج) وطن
242	..... وطن در شعر ژاله اصفهانی
247	..... وطن در شعر سیمین بهبهانی
249	..... وطن در شعر طاهره صفارزاده
250	..... نتیجه گیری
252	..... نمودارهای آماری
254	..... نمودارهای تطبیقی مضامین در شعر شاعران چهارگانه
256	..... نمودار دایره ای
257	..... فهرست منابع و ماخذ



## مقدمه

پایان نامه ای که پیش رو داریم، گفتاری ست پیرامون (مضامین اصلی شعر زنان پس از انقلاب اسلامی). بحث پیرامون تاریخ اجتماعی و فرهنگی زنان هر چند ارتباط نزدیکی با رساله دارد اما چون موجب درازای سخن می شود نخواهد آمد. در اینجا سعی می شود تا شعر برهه ای خاص از تاریخ ایران اسلامی بررسی گردد. از طرفی این بررسی پیرامون شعر زنان است یعنی قشری از جامعه، که تنها در سالهای اخیر حضور چشمگیری در تاریخ، فرهنگ، سیاست و ادب دارند. حتی در انقلاب مشروطه حضور زنان خیلی به چشم نمی آید. اما در انقلاب اسلامی زن به معنی واقعی کلمه وارد صحنه مبارزات می شود؛ او در همان حال که مردانی را برای وطن می پروراند خود نیز هم پای مردان فریاد برمی آورد.

قبل از هر چیز برای آشنایی مختصر با تاریخ ادبیات بعد از انقلاب اسلامی مطالعه شرحی کوتاه پیرامون آن خالی از لطف نیست. نگارنده همین ابتدا اعتراف می کند که تقسیم بندیهایی که پس از این خواهد آمد خالی از اشکال نیست اما آنچه در دسته بندی شعر معاصر آمده جز این نیست و انتقاد مخاطب به نگارنده در مورد ذکر دو جریان فکری مشخص شعر و تقسیم بندی مضامین شعری کاملاً پذیرفتنی است لیکن نگارنده با مطالعه و تحقیق منابع مختلف به این جریان بندیها رسیده است و از مخاطب آگاه می خواهد که اجازه دهیم زمان، شعر را نقد کند. پس از بحث پیرامون تاریخ ادبیات بعد از انقلاب اسلامی به یکی دیگر از کلمات کلیدی رساله یعنی «مضمون» خواهیم پرداخت و حال تاریخ ادبیات پس از انقلاب اسلامی:

## تاریخ ادبیات فارسی پس از انقلاب اسلامی

انقلاب فقط یک جامعه را دگرگون نمی کند بلکه انقلاب موفق آن است که ضمیرافراد جامعه را یک به یک عوض کند و تغییر دهد. باید اعتراف کنیم حرکت امام یک چنین حرکتی بود او حتی بر روح و ذهن مخالفان هم تأثیر گذاشته بود دیگر کسی نمی توانست با این فطراتی که یک دل و یک فکر و یک جهت بودند برآید. سیل عظیمی در جای جای ایران جاری بود و در این دگرگونی زن و مرد بسان دو بازو بودند دو بازوی قدرتمند از یک تن. از اینها که بگذریم ادبیات بعد از انقلاب اسلامی دستخوش دگرگونیهای زیادی در حوزه فرم و معنا گردید. بینم تاریخ ادبیات بعد از این انقلاب شکوهمند چه جریاتانی داشت؟ به نوعی تاریخ ادبیات و سبک شناسی کوتاهی از ادبیات پس از انقلاب را ارائه می کنیم تا بیشتر از ساختار و محتوای شعر بعد از انقلاب آگاه شویم.

بعد از انقلاب اسلامی شعر « جنگ » هم یکی از موضوعات جالب قابل بررسی است چرا که هر چند جنگ خانمانسوز هشت ساله به سرعت و بلافاصله بعد از انقلاب بر ایرانیان تحمیل شد اما هم برجسته های فکری جامعه و هم بر درونمایه های ادبیات تاثیر گذاشت. « نویسندگان در تقسیم بندی ادوار شعر معاصر فارسی شعر پس از انقلاب را از جهت مؤلفه های تاریخی و محتوایی به دو دوره تقسیم می کنند :

الف) دوره اول (1357 تا 1367) دوران شعر جنگ و انقلاب .

ب) دوره دوم (1367 تا انتهای دهه 70) دوران شعر جامعه گرا و انسان مدار. [و از دهه 70 تا کنون ← نگارنده]

طی سالهای اولیه انقلاب و جنگ ، شعر ، قویاً بازتاب روح جمعی ، و انعکاس رخدادهای اجتماعی سیاسی بود . بسیاری از آثار منتشر شده در آن دوران متأثر از شرایط حاد جامعه غالباً بافت و بیانی گزارشگونه و شعارزده داشتند . به نحوی که فرم و ساختار آنها بعضاً تحت الشعاع محتوا قرار گرفت اغلب شعر\_شعارهای آن سالها ، که در مطبوعات یا جزوات و کتابهای شعر به چاپ می رسیدند ، رفته رفته فراموش شدند و جای خود را به آثاری معتدل تر و متعالی تر سپردند .

از اواسط دوره اول (مثلاً از سال 1363) توجه بیشتر به فرم و زیبایی شناسی ، گرایش عمیق تر به جوهر شعری ، و ایجاد پیوند بین شاخصه های دینی ، حماسی و اجتماعی ، شعر این دوره را به مرزهایی از « هویت سبکی » نزدیک کردند .

شعر پس از انقلاب ، عمدتاً از بطن چند جریان شعری شاخص ظهور کرد :

1- شعر سنت گرای مذهبی ، که خاستگاه آن باورها و سنتهای دینی و فرهنگی همراه با گرایشهای سیاسی اجتماعی بود . شاعرانی چون حمید سبزواری ، محمود شاهرخی ، جواد محدثی و... از این دسته اند.

2- شعر نوگرایی روشنفکری ، که آبخشور آن از حیث فرم و محتوا ، نحله های فکری \_ فرهنگی شرق و غرب بود نظیر اغلب شاعران نوپرداز پیش از انقلاب ، شاملو ، اخوان ، آتشی [و در مورد شاعران مورد بحث ما سیمین بهبهانی و ژاله اصفهانی. ← نگارنده]

3- شعر روشنفکری مذهبی ، شاعران این جریان ، از جهت فرم و ساختار شعری ، بیشتر از جریان شعر روشنفکری متأثر بودند و از حیث مایه و محتوای فکری ، در عین برخورداری از تعلقات دینی ، نگرش تازه تری به دین و پیوند آن با سیاست و جامعه داشتند . شاعرانی چون علی موسوی گرمارودی ، طه حجازی ، [← و در بحث ما طاهره صفارزاده و فاطمه راکعی] در این گروه قرار می گیرند .

مولود این سه جریان، جریان چهارمی است که در حقیقت، هسته اصلی شعر پس از انقلاب به شمار می آید. نسل « شاعران جوان پس از انقلاب » شاعران این نسل، ضمن تعلق فکری و ذوقی به آثار شاعران پیشین، رفته رفته به سوی استقلال زبان، نگرش و زیبایی شناسی گراییدند. مجموعه شاعران پس از انقلاب به اقتضای گرایشهای اعتقادی-سیاسی، به دو دسته تقسیم شدند:

یک دسته موافقان نظام، و یک دسته نیز مخالفان (یا منتقدان آن) در اینجا صرفاً به پیروی از عرف این سالها، دسته اول را «جناح شعر انقلاب» و دسته دوم را «جناح شعر روشنفکری» می نامیم هرچند این نامگذاری ناقص و ناروا باشد.

(روزبه، 1381:306\_309)

این تقسیم بندی از یک یا چند منظر درست است و اگر شاعری را در جناح شعر نوگرای روشنفکری می گذاریم منظور این نیست که او شاعری دینی یا انقلابی نیست و اگر شاعری را در جناح شعر روشنفکری دینی قرار می دهیم باز هم مراد این نیست که او شاعر نوگرایی نیست بلکه در این تقسیم بندیها مقصود آن است که به کوتاهترین عناوین بتوانیم بزرگترین مفاهیم را منتقل کنیم یا چون در یکی از منابع این تقسیم بندی آمده است پس این نظریه کاملاً پذیرفتنی است که شعر معاصر یا انقلابی است یا روشنفکری و چه کسی نمی داند که انقلاب همیشه نتیجه رشد فکری افراد یک ملت است. البته در منبع ذکر شده شاعران مورد بحث در این نوشتار نیامده بود و چنان که مشخص است نگارنده خود آنها را افزوده است یعنی به جای این که آن ها را تنها در جناح های انقلابی و روشنفکری محدود کند به آنان از منظر دین و میزان تعهد به نظام نگریسته.

برای فهم ساده تر عمده ترین مضامین و محتوای شعر فارسی پس از انقلاب اسلامی، نمودارهایی که بعد از این خواهد آمد مفید فایده است. این نمودارها به طور متقابل شعر شاعران هر دو جناح را بررسی می کند و به طور کلی آنچه را که ما در سه فصل و در شعر چهار شاعر برجسته به طور خاص خواهیم آورد در یک نمای کلی پیش روی مخاطب قرار خواهد داد از طرفی ویژگیهای سبکی هر جناح را نیز به طور مختصر بیان می کند که این هم خالی از فایده نیست. قبلاً بگوییم که در منبع مورد نظر نگارنده این بررسی مختصر به صورت نمودار ذکر نشده بود ذکر نمودارها زیر نظر استاد محترم راهنما مطرح گردید:

## عمده ترین مضامین و محتواهای شعر پس از انقلاب

طیف شاعران انقلاب	طیف شاعران روشنفکر
روایت و حکایت دوران ستم شاهی ، بیان و بزرگداشت مبارزات و پایداریهای مردمی در آن دوران ، ستایش رهبر و دیگر شخصیت‌های انقلاب ، دعوت به بیداری و هشیاری در برابر دسیسه های دشمنان داخلی و خارجی ، ستایش شهادت و شهیدان ، ستایش دلاوریها و ایثارگریهای رزمندگان ، جبهه ها ، دعوت به فرهنگ جهاد و شهادت ، خودشکنی (احساس حرمت و حرمان در برابر شهیدان) ، وطن دوستی با صبغه ای دینی و انقلابی ، ستایش اهل بیت (ع) و خصوصاً پاسداشت فرهنگی انقلابی عاشورا، همدردی و همصدایی با نهضت‌های آزادیخواه جهان اسلام؛ خصوصاً مبارزات ملت فلسطین ، افغانستان ، بوسنی و هرزگوین و ... ؛ اعتراض (بعضاً یأس آلود) به مظاهر ضد ارزشی نظیر: اشرافی گری ، تجمل گرایی ، عافیت طلبی، بی بند و باری ، تبعیض و نابرابری و ... گریز از زندگی خشک شهری ، و دعوت به پاکی و اصالت زندگی روستایی و ..	اعتراض روشنفکرانه در همه ابعاد ، جنگ ، سیاست ، اوضاع اجتماعی و ...) گرایش به مفاهیم کلان نظیر: اندیشه های فلسفی ، اسطوره ای ، مدرنیستی و ... این طیف از شاعران در سالهای میانی پس از انقلاب ، رفته رفته از حوزه شعر محتواگرا و سیاسی، به سوی شعر کلان نگر با مؤلفه های فرمالیستی گراییدند

## برجسته ترین ویژگی های سبکی شعر پس از انقلاب

طیف شاعران انقلاب	طیف شاعران روشنفکر
غلبه بیان شعاری، روایی گزارشگونه طی سالهای اولیه، کمبود تأملات عمیق شاعرانه، روح امید ، حماسه و معنویت در آثار، گسترش روح معترض یأس آمیز در شعرها از دوران پس از جنگ، گرایش به عشق عارفانه، مردم باوری، وفور واژگان، تعابیر ، اشارات و اساطیر ملی ، دینی و عرفانی در آثار بافت و بیان نو معتدل، پرهیز از زبان ادبی و اشرافی شعر کهن، و گرایش به زبانی مردمگرا	گرایش ضعیف به بیان شعارگونه در سالهای اولیه غلبه روح نومییدی و سرخوردگی در آثار گرایش به زبان رایج گفتاری تئوری زدگی گرایش به فرمهای تازه جزمی نگری و غنیمت گرایی گرایش به ابهام و پیچیدگی کلام، متأثر از ترجمه اشعار مدرن جهان گرایش به بافت و بیان ترجمه ای

(روزبه ، 1381؛ 306 – 309)

این نمای کلی شعر بعد از انقلاب اسلامی است. در رابطه با شاعرانی که مورد بررسی ماست باید گفت: این نظریه ها تا حدودی درست است مثلاً شعر راکعی نمونه کامل شعر شاعران طیف انقلاب است. او از تعابیر عرفانی بسیار استفاده می کند اما خیلی کم تأمل و تفکر شاعرانه دارد و از حیث زیبایی شناسی خیلی غنی نیست. یا شعر اصفهانی، که نمونه کاملی از شعر جریان روشنفکری است. شعر او گاه ترجمه یک نمایشنامه یا شعر مثلاً روسی است همین کافی ست بدانیم چقدر بافت شعر او تحت تأثیر ترجمه قرار می گیرد.

در مورد سیمین و صفارزاده وضع فرق می‌کند. اگر بگوییم شعر روشنفکری مذهبی ساختاری روشنفکرانه و محتوایی فکری دارد صفارزاده را باید کجا بگذاریم یا اگر قضیه عکس این باشد؛ ساختار شعر سنتی و محتوای آن فکری و پر از تأملات شاعرانه یعنی شعر سیمین آن وقت سیمین جزء کدام دسته قرار می‌گیرد؟

در این که سیمین به اندازه صفارزاده انقلابی ست شکی نیست حتی ما با خواندن شعر ژاله هر چند او را تحت تأثیر سوسیالیسم می‌یابیم اما او را هم یک انقلابی می‌انگاریم فقط، انقلاب او انقلاب دهقانان و رنجبران است علیه فئودالها می‌بینیم که فقط این اسم‌هایند که تغییر می‌کنند. آنچه اصل است یک چیز اندیشه «انقلاب» است. به قول ویکتور هوگو «قاطع‌ترین نتیجه مستقیم یک انقلاب سیاسی، یک انقلاب ادبی ست» و این انقلاب به همان اندازه که شعر سیمین را متأثر می‌کند، بر شعر صفارزاده، ژاله و راکعی هم تأثیر دارد. کمیت و کیفیت هر دو در این تأثیر متغیرند اما تأثیر یک امر واحد است. به عبارتی مضمون، و طرز بیان آن متفاوت است اما سرچشمه این نمود یکسان است. در اینجا سعی بر آن بوده است که تا حد ممکن از مقایسه کمی در شعر این شاعران پرهیز شود چراکه شخصی مثل ژاله کلیاتی چاپ کرده و آن را به یادگار گذاشته و در گذشته است. کلیاتی که چندین برابر سه مجموعه شعر راکعی ست پس مقایسه، اشتباه است. هر چند مقایسه ای تطبیقی، روی مضامین صورت خواهد گرفت تا جریان بندی شعر معاصر بیشتر آشکار شود و بسامد مضامین در هر حوزه فکری راهنمایی، برای شناخت بیشتر شعر معاصر پس از انقلاب اسلامی باشد.

نمود مضامین در زبان هر یک از این شاعران به صورت متفاوت از دیگری می‌آید چنان که در زبان شعر ژاله واژگان ساده، لطیف و کودکانه اند استعارات خیلی کم است و خبری از تعقید نیست در زبان سیمین واژگان به دقت انتخاب شده اند و هر واژه را می‌توان در دو عرصه ساخت و معنا با دو رویکرد متفاوت نگریست کما این که سیمین به ادب فارسی واژه‌های نو و اوزان نو تقدیم کرده است و این نوپردازی به وزن و واژه محدود نمی‌شود. زبان صفارزاده، غیرقابل مقایسه با زبان هر شاعر نوگویی زمان است. او وفادارانه اعتراض می‌کند. او فقط فقر و فساد و فحشای جامعه ایران را نمی‌بیند. بلکه وسعت دید و یا به قول فروغ «میدان دید باز وسیعی» دارد. او جامعه جهانی را زیر سوال می‌برد پس اعتراض او از قبیل اعتراض سیمین به وضعیت موجود نیست. هر چند سیمین هم اعتراض می‌کند اما اعتراض او به جریان جاری فقر و فحشا و فساد است که جامعه را فرا گرفته و اعتراض صفارزاده اعتراضی جهانی. واژه در شعر صفارزاده از نظر محتوایی قرآنی است و از جهت ساختاری هم گزیده برداری‌هایی زیبا از زبان انگلیسی است و هم

یک معادل سخته از واژگان قرآنی او زبانی فخیم، محکم، و سرشار از واژه های به نیکویی گزینش شده دارد. زبان راکعی ، زبانی بی نهایت ساده فهم است ، هیچ واژه نوی ندارد یا حداقل واژه ای که مختص شاعر باشد این هاست که کار سبک شناسی شعر معاصر را بسیار سخت می کند و این را هم در نظر بگیریم که منابع برای مطالعه این برهه خاص از شعر فارسی به حد کافی وجود ندارد. بنابراین ما هنوز به یک طبقه بندی واحد و درست در شعر پس از انقلاب نائل نیامده ایم.

در این پایان نامه برآنیم که سرانجام به این نتیجه برسیم که با انتخاب و مطالعه دو چهره از شاعران طیف انقلاب یا همان جناح شعر روشنفکری مذهبی (راکعی و صفارزاده) و دو چهره از شاعران روشنفکر یعنی جناح شعر نوگرای روشنفکری (ژاله و سیمین) ببینیم چه مضامینی بسامد بالاتری در شعر بعد از انقلاب دارند. مضامین غنایی ، تعلیمی و یا حماسی ؟

پیش از این گزارشی کوتاه از زندگی شاعران مورد بحث می خوانیم تا آشنایی با زندگی این بانوان ما را در مطالعه و شناخت درونمایه های شعرشان یاری کند :

### **گزارش مختصری از زندگی شاعران مورد بحث**

چنان که گذشت در این پایان نامه چهار چهره شاخص در شعر زنان مطالعه خواهد شد. در انتخاب شاعران مورد مطالعه سعی بر آن بود که منابع کافی (یا حداقل تمام آثار بعد از انقلاب آنان را) داشته باشیم و از طرفی شاعران برجسته از دو طیف فکری و زبانی باشند. شاعرانی که هم سپید می گویند و هم تغزل می کنند. هم از دردهای جامعه می گویند و هم از عشق و جوانی می سرایند. شاعرانی که زنانگی شان آنها را و می دارد زنانه بسرایند. باید قبول کنیم شعر زن و مرد با هم متفاوت است چراکه ذهن و زبان زن و مرد یکی نیست هر چند اشتراکاتی هست ولی لحن و طرز بیان همیشه تفاوتی ایجاد می کند.

چهار چهره برجسته مورد نظر عبارتند از ژاله اصفهانی ، سیمین بهبهانی ، طاهره صفارزاده ، و فاطمه راکعی که هم زندگی نامه و هم آثارشان را براساس سال تولد بررسی کرده ایم. تنوع اندیشه خود باعث تنوع شعرها و مضامین است به طور مثال در مورد مذهب و جامعه هر یک از این بانوان گونه ای می اندیشند. ژاله تحت تأثیر ادبیات روس و نظام سوسیالیستی آن رنگهای سوسیالیستی را به شعرش می زند، راکعی با عشقی وافر که نسبت به امام دارد تعهدی

عمیق به نظام دارد. سیمین با فکرهای عظیم غرق در آگاهی و دانش شعری غنی از غنا و دانش دارد و صفارزاده ، قلم حق نویس جناح حق است.

## ژاله اصفهانی

ژاله ، سال 1300 در اصفهان متولد شد . او از هفت سالگی شعر می گفت . او پس از پایان تحصیلات در دبیرستان بهشت آیین اصفهان به سال 1322 ابتدا در بانک ملی اصفهان و بعد تهران به خدمت درآمد. سال 1325 برای ژاله سال پر از اتفاقات جالب است که همه بر محتوای شعر او تأثیر می گذارد . ژاله در این سال وارد دانشگاه تهران (رشته ادبیات فارسی) شد ، ازدواج کرد ، و در همین سال به اتحاد جماهیر شوروی کوچ کرد .

در سال 1338 (1959) به دریافت درجه دکترا از دانشگاه دولتی لامانوس اف نائل آمد و در سالهای 1960 تا 1980 (1339-1359) به کار پژوهش ادبی در آکادمی علوم ادبیات جهانی به نام مارکسیم گورکی پرداخت . طی همین سالها مجموعه های شعری هم چاپ کرد که برخی از آنها مانند زنده رود در سال 1334 (1965) در مسکو چاپ شد و شاعر را در ایران ممنوع القلم کرد. شعرهای ژاله به زبانهای آلمانی ، روسی و انگلیسی چاپ شده است . او از سال 1982 (1362) در لندن به زندگی و انتشار کتاب و مجموعه های شعرش ادامه داد تا این که در شهریور ماه 1386 در حالی که هنوز شوق وطن داشت در غربت از دنیا رفت .

(نقل به تلخیص از کلیات ژاله اصفهانی)

## سیمین بهبهانی

سیمین 28 تیرماه 1306 در تهران متولد شد. پدرش عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام و مادرش فخر عظمی ارغون روزنامه نگار و مترجم توانای زبان فرانسه بود و نیز شاعری توانمند.

در سال 1309 پدر و مادر سیمین از هم جدا شدند و در سال 1312 او به مدرسه ابتدایی ناموس رفت ... در سال 1324 وارد مدرسه مامایی شد اما یک سال بعد به اتهام نشر مقاله ای انتقادی از احوال ناهنجار مدرسه در روزنامه مرد امروز از مدرسه اخراج شد و اسفند همان سال 1325 با حسن بهبهانی ازدواج کرد.

او 23 سال با حسن بهبهانی زندگی کرد و از او صاحب سه فرزند شد و اولین مجموعه شعر خود « جای پا» را در سال 1325 چاپ کرد در طی این سالها او همچنان سرود ، با روزنامه ها همکاری کرد و در جلسات ادبی داخل و خارج از کشور شرکت نمود.

وی تحصیلاتش را در رشته حقوق در سال 1337 ادامه داد و با جدایی از همسر در سال 1348 یک سال بعد با منوچهر کوشیار ازدواج کرد که به قول خودش این دو مرد او را اسیر کردند.

یکی از ابتکارات سیمین ابداع و زندهای تازه در غزل فارسی است و او در 1350 اولین تجربه های خود را در این زمینه عملی کرد. سیمین در مسیر زندگی سرشار از تلاش و هنرمندی اش مجموعه شعرهای « جای پا ، چلچراغ ، مرمر ، رستاخیر، خطی ز سرعت و از آتش، دشت ارژن ، یک دریچه آزادی ، یکی مثلاً این که و تازه ها » را منتشر کرد ، با روزنامه ها همکاری نمود. سفرهایی در داخل و خارج از کشور داشت و در جلسات ادبی زیادی شرکت کرد. او را بحق باید بانوی غزل فارسی بدانیم .

### طاهره صفارزاده

طاهره صفارزاده در سیرجان به سال 1315 متولد شد تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی ادامه داد و بعدها دکترای خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران گرفت . او قبل از انقلاب برای تحصیلات به ایالات متحده امریکا رفت اما زندگی در کشور گوناگونیها هرگز او را از تعهدات مذهبی و حق طلبانه اش دور نکرد اولین مجموعه های شعر خود را قبل از انقلاب چاپ کرد که هر یک از این دفترها جنجالی در جامعه آن روز ایران به پا می نمود.

او در آبان ماه 1387 بعد از 72 سال خدمتگزاری به قرآن که او را به لقب «خادم القرآن» مفتخر نمود و مجاهدت در راه حق در تهران درگذشت . آخرین مجموعه شعرش سال 1384 با عنوان (از جلوه های جهانی) چاپ شده است. در کتاب « زن ، شعر ، اندیشه» و با قلم تاجبخش در مورد شعر صفارزاده چنین می خوانیم:

« شعر خانم صفارزاده در بیان دردهای جامعه و رودروی قرار گرفتن با «مزدوران امپریالیسم» زبانی جالب را بخندت گرفت که کوتاه ، موجز ، تازه و نجیب است که هر چه به انقلاب نزدیک می شود رنگ زلال مذهبی به خود می گیرد و بتدریج هر واژه ای می رساند که ایده ای مذهبی آن را جلا داده و در جمله با منظور خاصی نشانده شده است.» ( تاجبخش ، 1378: 120)

### فاطمه راکعی

راکعی متولد 1333 در زنجان است. تحصیلات خود را تا سطح دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ادامه داده و هم اکنون استاد همین رشته در دانشگاه الزهراء تهران است. کار شاعری را از سال 1348 شروع کرده .



اولین مجموعه شعر خود را کمی بعد از انقلاب اسلامی سال 1361 چاپ کرده .

زندگی راکعی فراز و فرودهای زندگی ژاله یا سیمین و حتی صفارزاده را ندارد. شعر او هم که به نوعی تبلور زندگی شاعرانه است آن اوج و سقوطها و آن شور و شوقها را ندارد. زبان راکعی در شعر زبانی ساده و خالی از تعقید و لفظ پردازی است شعری با تشبیهات ساده ، استعاره های کم و خالی از کنایه . ما در سه مجموعه راکعی حتی با واژه مشکلی روبه رو نمی شویم چه رسد به شعر مشکلی .

زبان او در ( ناخنکی به زندگی) کمی تغییر می کند البته سبک شعری او در این مجموعه به طور کامل عوض می شود او در این مجموعه فقط سپید می سراید و دیگر آن غزلهای سنتی و بسیار سنتی (سفر سوختن ) را رها می کند، اما این تلاشها از شعر او ، اثری زیبا نمی سازد.

بعد از این بررسی کلی و نگاه کوتاه به ادبیات پس از انقلاب اسلامی و آشنایی با این چهره های برجسته کمی هم در مورد مضمون و منظور خود از این کاربرد صحبت کنیم.

## مضمون چیست؟

مضمون در فرهنگ معین « در میان گرفته شده » معنی می شود و معین آن را به مضمون بندیهای شاعران سبک هندی پیوند می دهد. ما در این جا مضمون را به خیالپردازی معنی نمی کنیم گاهی آن را با موتیف یکی دانسته اند. « و موتیف عبارت است از یک فکر، موضوع یا درون مایه ای که در قالب کلمات و عبارات ، تصاویر خیال ، اشخاص ، اعمال و مکانها و ... در درون یک اثر هنری نمود پیدا می کند. تکرار این عضو یا الگوی معین تأثیر مسلط اثر هنری را به وجود می آورد. موتیف غالباً بیانگر ذهنیت و حساسیت هنرمند نسبت به یک موضوع یا پدیده است ، به گونه ای که این ذهنیت به صورت ملکه ذهنی او در آمده و پیوسته در جریان خلاقیت هنری خودنمایی می کند. اصطلاح « واژه کلیدی » گاه بر این عناصر دلالت می کند. موتیفها هم معنایی اند و هم تصویری و در حکم سوگلی هنرمندان اند. مسأله بسامد در بررسی موتیف اهمیت بسزایی دارد».

( حسن پور آلاشتی ، 1384 ؛ 85 )

اما منظور ما موتیف هم نیست چراکه موتیف از مضمون به آن معنی که ما دنبالش هستیم (Theme) بسیار دقیق تر است. در بسط معنای « مضمون» سیما داد در فرهنگ اصطلاحات ادبی چنین می نویسد:

«درونمایه ، مضمون Theme « تشکیل شده از درون » به معنی داخل و میان ، به اضافه مایه ، به معنی اصل هر چیز مصدر و اساس ، و درمجموع « درونمایه» به معنی اصل درونی هر چیز است. مضمون نیز در لغت به معنی در میان گرفته شده و آنچه از کلام و عبارت مفهوم شود می باشد. در اصطلاح ادبیات درونمایه و مضمون عبارت از « فکر اصلی و مسلط در هر اثری است؛ خط یا رشته ای که در خلال اثر کشیده می شود و موقعیتهای داستان را به هم پیوند می دهد... درونمایه هر اثری ، جهت فکری و ادراکی نویسنده اش را نشان می دهد. درونمایه با موضوع (subject) اثر تفاوت دارد. موضوع ، اندیشه کلی ای است که زیربنای داستان یا شعر قرار می گیرد و درونمایه از آن به دست می آید چون درونمایه ، عناصر شعر یا داستان را انتخاب می کند از این رو آثار متنوع و بی شماری براساس مضامین واحد یا محدود خلق می شوند».

( داد ، 1371 : 301 )

و این تعریف از « مضمون» به مراد ما نزدیکتر است ما می خواهیم درونمایه های اصلی شعر زنان را بررسی کنیم. چه چیزی برای زن پس از انقلاب دلمشغولی شد؟ او سعی کرد چه مسائلی را به شعر درآورد؟ شعر زنان پس از انقلاب اسلامی چه مفاهیمی را به طور جدی و بیش از پیش بر خود پذیرفت؟

برای این که بتوانیم به طبقه بندی علمی و درستی در مضامین برسیم ابتدا باید میزان و معیار مشخصی برای این طبقه بندی بیابیم ، طبق بررسی هایی که انجام شد و با کمک علم « انواع ادبی » شاید بتوان به این مهم دست یافت . اگر می گوئیم شاید به این خاطر است که هنوز نظریه واحدی در مورد تقسیم بندی انواع ادبی وجود ندارد. در جهان غرب و تحت تأثیر آرای ارسطو و هوراس ، از گذشته های دور تقسیم بندی ها بیشتر جنبه ماهوی و محتوایی داشته در حالی که در تاریخ ادبیات ایرانی اسلامی ، « صورت» اثر مهم بوده است ، به عنوان مثال تفاوت قصیده و غزل گاه فقط به تعداد ابیات محدود بوده ؛ حال آن که غزل محتوای عاشقانه ، احساسی و شخصی دارد و به عکس قصیده در موضوعات دیگری همچون مدح، وصف ، رثا ، هجاء و ... است. هرچند این هر دو تحت عنوان شعر غنایی مطرح می شوند اما این تقسیم بندی چندان کامل و جامع نیست.

از سوی دیگر با حرکت به سوی آینده و در تغییر و پیشرفت فرهنگها و تمدنها ، شعر هم به عنوان یکی از مهمترین عناصر فرهنگ ، متحول و دگرگون می شود ، چنانکه امروزه در همین اشعار بعد از انقلاب مشروطه در ایران ما

شاهد کنیم که بسیاری از شاعران به زیبایی و با خلاقیت از غزل سود اجتماعی، سیاسی و ... می برند و تغزلهای زیبایی می آفرینند.

حتی شاعر تغزل می کند بی آنکه غزل گفته باشد یعنی شکل خطی غزل را به هم می زند و یک شعر نیمایی را بی آنکه بویی از صورت غزل داشته باشد در خدمت عشق و احساس و عاطفه قرار می دهد بنابراین در دوران معاصر رویکرد های جدیدی به تقسیم انواع ادبی می یابیم که کار تقسیم بندی انواع را بیش از پیش دشوار می کند.

« گوته در ضمائم دیوان شرقی خود انواع شعری را چنین طبقه بندی می کند: شعر بیش از سه نوع نیست، آن که با وضوح و روشنی، داستانی را بیان می کند. آنکه از شور و هیجان منبع می گیرد و آن که کاری فردی و شخصی را تجسم می دهد؛ و اینها عبارتند از حماسه، شعر غنایی و درام، این سه گونه ممکن است در یک شعر جمع آیند یا پراکنده باشند؛ غالباً این هر سه قسم را در اشعار کوتاه به هم آمیخته می توان یافت و اقتران و اجتماع آنها در یک ظرف محدود، موجب ایجاد هنری بسیار زیبا می گردد. در تراژدی باستانی نیز دیده می شود که این هر سه گونه شعر به هم آمیخته بوده اند و آن گاه به توالی و با نظم و ترتیب خاصی از یکدیگر جدا شده اند.»

(شمیسا، 1382؛ 26-28)

« نظرات دیگری هم هست مثلاً ارنست بووه Ernest Bovet، انواع ادبی را براساس تطور تمدنها چنین تقسیم بندی می کند: « نوع غنایی مربوط به دوران جوانی تاریخ فکری بشری و نوع حماسی، مربوط به دوره مردی و نوع درام مربوط به دوران پیری جوامع است. از طرفی فرمالیستهای روسی کوشیدند تا انواع ادبی را به ساختها و الگوهای زبانی، یعنی ساختارهای ثابت دستوری زبان مربوط کنند.»

(همان: 29)

## انواع شعر در ایران

چنانکه گذشت تقسیم بندی انواع در ایران بیشتر صوری بوده است. نقص این طبقه بندی این است که شعر را به لحاظ معنی بررسی نمی کند. از آنجا که کار ما مربوط به پیدا کردن مضامین اصلی است و جستجوی مضامین پیوندی عمیق با محتوا و معنای شعر دارد در این جایگاه آن تقسیم بندی ای را می پذیریم که صرفاً رنگ و بوی معنایی دارد یعنی ممکن است یک شعر کاملاً فرمالیستی را در کنار یک غزل محکم صرفاً از این جهت بیاوریم که مضمون هر دو یکی

ست یا شبیه به هم است و این کار دور از عقل و انتظار نیست. حال از بحث دور نشده و طبقه بندی انواع ادبی را در ایران پی می گیریم شمیسا انواع ادبی را در ایران چنین بررسی کرده است ؛

«1- غنایی lyric ، مقصود از نسیب و تشبیب (و غزل) همان تغزل است که جنبه غنایی دارد. رثا Elegy و

شکوه و اعتذار هم از آنجا که مبین احساسات و عواطف گوینده هستند جنبه غنایی دارند.

2- در حماسی Epic مفاخره و مدح ماهیت حماسی دارند.

3- تعلیمی Didactic حکمت و اخلاق ( زهد) جنبه تعلیمی دارند»

( همان :31)

البته شمیسا در انواع ادبی سه نمونه دیگر از انواع هم بیان می دارد:

هجایی satiric طنز irony و روایی narrative که وصف از فروع آن است اما آنچه مسلم است این است که

این دو نوع می تواند در هر یک از این سه بخش جا بگیرد وقتی شاعری در تشبیب قصیده ای ، منظره ای را وصف می

کند در واقع آن جنبه غنایی کارش به چشم می آید نه صرفاً وصف منظره یا شاعری که به زبانی طنزآمیز دردهای جامعه

را به تصویر می کشد به گونه ای شکایت می کند از روزگار این همه جنبه غنایی دارد یا حتی تعلیمی که مگر ، ابنای

روزگار را پندی داده باشد.

در نهایت به این شکل سه گانه تقسیم بندی می رسیم:

1- غنایی                      2- حماسی                      3- تعلیمی

یادآوری می کنیم که گاه ممکن است این انواع به هم در آمیزند و نوع جدیدی را به نمایش گذارند چنانکه

ممکن است شاعری ، انواع غنایی و تعلیمی را با هم به کارگیرد یا حماسی و غنایی را و ... و این از ویژگی های شعر در

دوران معاصر است که محدود و مقید شدن به طبقه خاصی را نمی پذیرد و می توان شعر مدرن را نه از لحاظ شکل بلکه

از هر لحاظ سرکش ترین نوع شعر دانست هم در فضای محتوا و مضمون و هم در فضای شکل و فرم هم صورت و هم

معنا.

به منظور دستیابی به تعاریفی دقیق تر و تنوع بحث بد نیست تعاریفی کوتاه از انواع راز منابع مختلف بخوانیم تا

ضمن روشن تر شدن مقصود منظور نهایی خود راز طرح مضامین خاص ذیل یک نوع ادبی خاص بیشتر رسانده باشیم: